

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
 صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
 و یومیه (حبل المتین)
 (عنوان مراسلات)
 طهران خیابان لاله زار
 نام مدیر میرزا سید حسن کاشانی
 دیر ادارا آقا شیخ یحیی کاشانی
 غیر از روزهای جمعه همه روز
 طبع و توزیع میشود

یومیه

حبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالانه

طهران ۳۵ فران
 سایر بلاد داخله ۵۰ فران
 روسیه و قفقاز ۱۲ مانت
 سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک

(قیمت يك نسخه)

در طهران سه شاهی
سایر بلاد ایران یکمبایستی است

قیمت اعلان سطر

دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

با امضا قبول و در انتشارش اداره آزاد است

دوشنبه ۲۳ رجب المرجب ۱۳۲۵ هجری قمری و ۱۴ شهر یورماه جلالی ۸۲۹ و ۲ سبتمبر ۱۹۰۷ میلادی

(رفع شبهات عطف بنمره قبل)

جناب شیخ میفرمایند (لفظ مشروعه را چرا برداشته و در جای آن کلمه مشروطه گذاردند الخ) جواب فرمایش ایشان آنستکه مشروطه در ایران ملازم است با مشروعه زیرا که سلطنت مشروعه عبارت است از سلطنتی که دارای قوانین عادلانه باشد و آزادی اقلام و افکار و مجالس و مطبوعات داشته و منبع صدور احکام و قوانین مجلس مبعوثان و مجلس سنا بوده باشد پس شرط مشروطه بودن داشتن قوانین است و قانون در ممالک اسلامی البته باید از مخالفت با اساس شریعت نداشته باشد چنانکه در چندین موضع از نظامنامه اساسی تصریح و توضیح شده است که وقتیکه یک حکمی صورت قانونیت پیدا میکند که مخالف قواعد شرعیه نباشد و هر حکمی که با یکی از قواعد شریعت مخالفت داشته باشد باغی قانون نیست و از اعتبار ساقط است! اگر چه خدا نخواسته! کثرت آراء هم بر آن مسئله تعلق گرفته و راعی هم در مجلس داده شده باشد و تمام افراد مسلمانان حق دارند هر حکمی و ماده را که مخالف با مذهب یا فتنه رد کنند و بر وکلا و مجلسیان پرست نمایند که چرا حکم خلاف شرع را جزء قانون نموده اند پس مشروطیت در ایران که مملکت اسلامی است صورت نمیکرد مگر با مشروعهیت حالا اگر مقصود شیخ آنستکه چرا بپهلوی لفظ مشروطه مشروعه را نوشتند جوابش واضح است زیرا که در تمام کتابچهایی قانون مخصوصا نظامنامه قانون اساسی مکرر مرقوم شده که قانون باید مشروعه باشد و در دستخط اعلی حضرت

شاهنشاهی نیز صریحا قید شده است که تشریح قوانین باید مطابق شریعت محمدی ۴ باشد گو یا در قانوننامه اساسی زیاده از بیست دفعه تصریح باین امر شده دیگر چه جای مطالبه است شما اگر يك دفعه میخواهید آنها صد دفعه نوشته باز هم حاضرند محض خاطر خاطر شما مکرر کنند - اگر عرض آنستکه عوض لفظ مشروطه مشروعه بنویسند و حکامه مشروطه را دیگر بر زبان جاری نوازند جوابش آنستکه قید کلمه مشروطه نظر بیک مسئله پلتیکی است که بنا جناب شما از آن خبر ندارید یا صرفه خود را در اظهار آن نمیدانید و تجاهل عاری میفرمائید زیرا که همه ارباب خرد میدانند وقتی مشروطیت در مملکت ما محکم می شود و ثمر می بخشد که بسایر دول رسما خبر بدهیم و آنها نیز رسما قبول کرده مارا بدین سمت بشناسند امروز دول عالم خراج از سه قسم لیست مستقله ، مشروطه ، جمهوری و ما باید بیکی از این سه قسم خود بانها معرفی کنیم و آنها هم ما را باین عنوان به شناسند و عنوان را می آنها قائل نیستند و حق هم با آنهاست زیرا که این تقسیم عقلی است و شق خارج ندارد یا سلطنت بمیل و هوای نفس است یا از روی مصلحت و قانون اولی مستبده و مستقله است و دومی باریاستن بارت است یا به انتخاب ارثی را مشروطه و انتخابی را جمهوری میگویند - ما که میخواهیم استبداد از ملک ما بکلی خارج شود باید تمام قناسل و سمره دول همجواری خبر بدهیم که مملکت ما مستبده نیست تا اگر خدای نکرده فردا سلطان خواست با استبداد عمل کند آنها مخالفت کنند و در اینصورت ما لابدیم که از پادشاه دستخط مشروطیت بگیریم و بهمه دول مشروطیت

خود را اعلان کنیم تا اینکار جلو گیری از مراجعت استبداد نماید و اینکار ممکن نمیشد مگر بآنکه نصریح مشروطیت در دستخط بشود و لفظ مشروطه وافی باین مقصود نبود بقیه دارد

(منشاء همه افتخارات)

چنانکه در دوره ظلم و ستم و عصر اشتداد بیداد نقطه مرکزی صدور احکام ظالمانه دربار دولت است و مقربان سده سنیه سلطنت و منتسبین دودمان پادشاهی فرامین بر غارت و چاپیدن رعیت صادر میکنند و تمام مظالم از یک سر چشمه شروع میشود همچنین در دوره مشروطیت شخص شخص پادشاه نقطه افتخارات و منشا همه سعادات است پادشاه مشروطه در امور ملکی معصوم است یعنی بهیچ وجه مصدر خلایق و خطائی نیست موضوع اختلاف و بحث هرگز واقع نمیشود مقام رفیعش مافوق همه اختلافات و مناقشات است و همه مشاجرات دون مرتبه منبع اوست هرگز در انگلستان ~~مقتنه~~ نمیشود پادشاه ادوارد آزادی طلب است یا از حزب محافظین و کنسرواثر زیرا که وقوع اختلاف در بین خلق ناشی از تفاوت مفزها و آراء و قوت و ضعف خیالات است و چون ممکن نیست همه کلهها بیک شکل و عقول بیک نحو باشد پس تا عقول مختلف است اختلافی در بین افراد یک ملت باقی خواهد بود و هرگز ممکن نیست آراء در تمام مطالب متحد و متفق باشند و حکماء میگویند اختلاف آراء لازمه وجود انسان است تا دو انسان در روی زمین باقی است اختلافی مشرب هم وجود خواهد داشت بنابراین اگر هم فرقه برای تقویت کار خود شخص پادشاه را بطرفی خود جذب کنند و حزب دیگر پادشاه را مخالف خود بشناسند هیچ وقت امنیت در چنین ملک مستقر نخواهد شد عراده امور را نخواهد افتاد متصل باید گرفتار کشمکش باشند و پادشاه را هر طرفی بلطائف الحیل مایل بسمت خود کنند و از ناحیه سلطنت احکام و فرامین بر طبق میل و عقیده خود صادر نموده دریای مملکت را در طوفان دائمی و انقلاب همیشگی نگاه دارند —

بدین ملاحظه حکماء دانشمند اروپا که سالها در تشکیل اوضاع سلطنت رنجها برده و تجربیات نموده اند و باین میدان پرخطر که میدان شکل سلطنت است جولانها و دوندگیها کرده اند بعد از تجارب زیاد چنان فهمیده اند که در سلطنت مشروطه شخص پادشاه را باید معصوم قرارداد مسئولیت در دولت مشروطه از ذمه پادشاه برداشته شده است و بر عهده مجلس مبعوثان و سنا که هر دورا معا هیئت مقننه میگویند و کابینه و وزراء که هیئت مجریه مینامند قرار گرفته است و وزراء نیز در غالب امور مفصله از قبیل اعلان جنگ با دولتی دیگر یا مصالحه و

غیرها محض مال فدی می شود کارها را رجوع بمجلس میکنند تا آخر خیطی وانغ شد یک نفر یاد و نفر گرفتار مسئولیت و مؤاخذه نباشد و مسئله عمومیت پیدا کرده شخص خاصی مقصر نگردد — در هر امر اگر اشکالی وارد شد یا وکلاء مقصر میشوند یا وزراء آنچه راجع بنظم بلاد و استقرار امنیت و آرامی باشد وزراء مقصر میشوند و باید بمحل استتطاق و سؤال و جواب وارد شده یا از گردن خود رد نمایند یا مجازات شوند ملت وکلاء را میشناسد و با آنها طرفی است و کلاء هم با وزراء طرفی و وزراء را درست دارند کسی که بهیچ وجه با کسی طرفی نیست و شتوش همواره محفوظ و احترامش محفوظ است شخص سلطان است و جهتش هم همان است پادشاه نمیتواند مصدر کار بد گردد فقط کار پادشاه مشروطه چند چیز است یکی آنکه در دو افتتاح پارلمان پادشاه بمجلس آمده او ابتداء شروع به سخن کند و رسماً افتتاح بعمل آید دیگر آنکه بعد از اکثریت آراء هر دسته که غالب هد پادشاه رئیس اندسته را خواسته امر بتشکیل کابینه وزراء بفرماید و بعد از تشکیل امضاء وزارت هر کدام را نموده دستخط صادر سازد — دیگر آنکه اگر انفاقا ملت از مجلس پیش از اتمام مدت رنجیده شد و وکلاء مردود شدند پادشاه حکم بانفصال نموده ثانیاً تجدید انتخاب بعمل آید ولی بشرطی چند که اکنون مجال نوشتن آنها نیست — دیگر هر قانونیکه از دو مجلس گذشت پادشاه صحه نماید تا سمت قانونیت پیدا کند — دیگر آنکه اعلان صلح و جنگ بعد از تصویب مجلسین باسم پادشاه باید بشود

پس وقتیکه شاه شغلش شغلی نباشد که طرفی مسئولیت واقع شود احدی حق ندارد نسبت بذات همیونی بسؤ ادب کلام بر زبان جاری کند مراعات حرمتش بر همه کس لازم و واجب است هر خلایقی را باید از وزراء باز خواست کرد و بعدر عدم مساعدت شاه نباید گوش داد

خلاصه مذاکرات مجلس دار الشوری

(شنبه ۲۱ شهر رجب)

بعد از قرائت و تصحیح چند ماده از نظامنامه وزارت داخله هیئت وزرا بمجلس آمده وزیر داخله از مستوفی الممالک معرفی بوزیر جنگ و از اعلاء الملك بوزیر عدلیه نمودند و اظهار داشتند که امروز هیئت وزرا شرفیاب حضور همایونی شده بعضی عرایض داشتند و از طرفی اعلیحضرت امر شده که زود تر متنه قانون اساسی و سایر قوانین را بمجلس تنقیح کرده بصفحه مبارک موشع شده بموقع اجرا گذاشته شود گفته شد که وکلاء در صورتی

میتواند کار بکنند که حواسشان جمع باشد و هر روزه اسباب وحشت برای آنها رخ ندهد و اشتغال بکارهای دیگر پیدا نکنند وزیر داخله اظهار داشتند که البته وزیر امور میباشند و اغتشاش هم رفع خواهد شد موافق آن اگر در بین باید خودشان رفع نمایند و امروز هم ترین کارها تشکیل بانک ملی است و فعلاً در سرمایه که میخواهند چهار کرور از آن را بدولت قرض بدهند لازم نیست هر وقت شد البته دولت از داخلی قرض نماید بهتر است ولی امروز قدری از آن سرمایه که در بانک بنا بود گذاشته شود و قدری از مالیه امسال و بعضی محلای دیگر بعضی از حقوق و محلای کسری داده میشود و تشکیل بانک برای تجارت و شرکت عمومی و سایر کارهای دیگر لازم است از شریعتدار و حاجی میرزا محمد رضا رشتی گفته شد که اینها مفید و چند نفر مفسد را بر خلاف قانون انتخاب کردند خوبست بخواهند بطهران گفته شد که مفسدین بطهران خواسته میشوند

عریضه که هیئت وزراء بخاکبانی همیونی عرض کرده بودند قرائت شد که مبتنی بود بر اصلاح بنی و عرض حال و از اینکه مردم اصلاح امور را از مجلس میخواهند و مجلس هم بقانون مشروطیت از وزراء میخواهند و وزراء در اجرای احکام مجلس امیدواری بیذل توجه اعلیحضرت همیونی دارند و مسلم است تا اجرای احکام بر وفق قانون اساسی نباشد تو حقی مردم بیشتر و اختلال امور زیاد تر خواهد بود استدعا اینکه مؤکداً دستخط مبارک صادر شد، که قوانین اساسی اجرا و تتمه آن اصلاح شود دستخط در جواب عریضه قرائت شد خطاب بوزارت داخله که همیشه اجراء قوانین و حکم مجلس منظور نظر ما بوده و وزراء از طرف ما قانون اساسی را از مجلس بخواهند

بعضی اظهار داشتند که حق مردم را حر و آزاد آفریده حال هم اینکه میکوبند و میخواهند همان آزادی همان آزادی خلقی است و وزراء خزانه دار حقوق این مردم هستند و کلاً ناظر اعمال آنها که خیانت نکنند پس باید وزراء کار بکنند نه آنکه استعفا بدهند در خصوص تفاوت عمل گفته شد که تندی میکنند جواب داده شد که وزیر مالیه تلکراف کند زیاد بگیرند مذاکره شد که در باد کوبه مرض مروف بروز کرده خوبست در سرحد درست جلوگیری شود گفته شد که اقدام شده و میشود

سؤال از این شد که رئیس الوزرا اطمینان از این هیئت دارند یا نه جواب داده شد که آنچه معرفی شدند البته بانها اطمینان است

سؤال شد که آیا غیرار مسؤلیت شخصیه تکافل و ضمانت در امورات کلیه مملکتی از هم دیگر دارند یا جواب داده شده که البته هر وزیر مسؤل اداره خود میباشد و در امور پلتینکی هم مجلس شورای وزرا است و با هم مشاوره خواهند نمود

گفته شد که خوب و د امروز هیئت کابینه پروگرام اعمال و رفتار خودشان را در آتیه بمجلس ارائه میدادند که از چه قرار است جواب داده شد که در مجلس دیگر معلوم میشود بعد از مذاکرات زیاد و اظهار همراهی از طرفی وزراء بر خلاف ما سابق بعضی اظهار داشتند که این دوماً آخر است بعد از این نه ملت بصرفی قول قبول خواهند نمود و نه مجلس و بعضی دیگر گفتند آثار همراهی انوقت معلوم میشود که بمخالفین مده نرسد و دفع و رفع آنها شده نتیجه ظاهر گردد (مجلس ختم شد)

(فاجعه بزرگ)

— روز شنبه ۲۱ شهر حال وزراء بمجلس مقدس دارالشورای ملی آمده بعد از چندین روز که گفتگوی تغییر هیئت و نصب کابینه جدید بود و خاطرها از این بات مختلف و هر کس بخمال خود حرفی میزد و زاری میداد مجده صحبت تغییر وزراء و استعفاء را بمیان آورده بستمیکه در ضمن مذاکرات مجلس مرقوم داشته ایم عاقبت همان هیئت سابقه مقرر شده تا دو ساعت از شب یکشنبه هم در مجلس توقف داشته و از همه جهت عمل را تمام کرده و اکثریت آراء طرف اطمینان مجلس گردیده فارغ البال بعد از ساعت دو وزیر داخله میرزا علی اصغر خان امین السلطان ابک بانقاص حضرت حجه الاسلام آقای آسید عبدالله دامت برکاته حرکت کرده دردم در بزرگ یکنفر فقیر باقای آقای آقا سید عبدالله متوسل شده و سؤال نموده آقا برای دادن وجهی بان سائل اندک توقف فرموده انابک چند قدمی از درم بیرون آمده منتظر رسیدن درشکه بوده است که ناگاه بشأ یکنفر جوانی بطرف او آمده بمحض رسیدن بارولول حمله برده سه تیر فشنگی در پی بطرف او خالی کرده و هر سه هم از قضا اصابت نموده یکی بزیر شکم و دیگری بکفش خورده و از زیر بغل گذشته ثالثی بکمرش خورده یکی از آن سه تیر کویا بعد از عبور از انابک نیای یکنفر سید سبز واری که عارض بوده است خورده و او را مجروح نموده است انابک فوراً بر خود بیخچیده و بزمین افتاده و قاتل رو بهار گذارده يك نفر سرباز فرار خود را بدو رسانیده که دستگیر کند قاتل مزبوزیا کارد دو زخم منگر بسرباز زده و خود را از چنگالش خلاص نموده لکن چون دیده است گرفتار میشود همان رولول را بصورت

خود گذارده و خالی کرده است که فشنگ
مهر سر او را داغون نموده و فوراً جان داده است —
انابک را مردم برداشته و بمبا پیچیده در درشکه نهاده
بخانه شهریش برده اند و کویا نیم ساعت بعد از خوردن
تیر بیشتر زنده نبوده است روز یکشنبه صبح جنازه او
را در حوضخانه عمارت شهریش برده تفهیل و تکفین
نموده در همانجا نماز گذارده اند که بعد از آنجا حمل بقم
کنند جسد قائل را هم بخانه وزیر مخصوص و بعد بداره
نظمیه برده و تفحص کرده اند در جیبش کاغذی یافته اند
که نام و نشان خود را مرقوم داشته است (عباس آقاسرای
آذر بایجانی عضو انجمن نمره ۴۱ فدائی ملت)
معلوم نیست عضو کدام انجمن بوده کویا در اداره عکس
او را بر داشته و از آنجا بعمارت بهارستان و مجلس مقدس
برده و جماعتی در آنجا او را دیده اند از قرار مذکور یک
نفر را هم گرفته و مشغول امتحان کردند تا به هر چه فهمیدیم
نشر خواهیم داد — حضرات حجج اسلام آقای آملی و آقا
آقای آقا سید محمد و آقای امام جمعه و غیر هم و کولاء
عظام هم یکشنبه از صبح در مجلس تشریف داشتند و از
وقوع این قضیه همگی متحیر بودند ایشان و وزراء هم
از صبح متصل بخانه انابک آمد و شد داشتند البته مجلس
فانحه و ختم هم منعقد خواهد شد —

از قرار معلوم قائل در نزدیکی امام زاده زید دکانی
داشته و مشغول بصرافی بوده است

(راپوت گیلان)

لیله سه شنبه دهم شهر رجب در مدرسه مستوفی
هیجان غربی اتفاق افتاد عموم ملت گیلان از سلسله جلیله
طلاب و حضرات اصناف در آنجا جمع شدند در بیان جهت
هیجان آزاد نیستیم (همینقدر جهت از جهات شورش
و اعراضه میدارم بواسطه حرکات ناهایسته بعضی ملت نتوانست
تحمل کند حرکات عجیبی از اهالی ملاحظه میشد
اخرا لامر جناب . . . حاج میرزا محمد رضا شریعت
زاده که یکی از مشروطه طلبان و ترقی خواهان محسوبند
در بالای بلندی بر آمدند و نظمهای مآثر نمودند مبنی بر
اتحاد و مواساة و مساوات بعد برای مشغول کردن اهالی
و ممانعت از شورش میکنند ایها الناس نخست تشخیص
مرض بدون هیچ قصد و غرض باید تابید اینم این خسته
دلشکسته از چه دردی نالان و از چه ناخوشی در فغان
است — و این همه آه سرد از دل پر درد برای چیست
و منظورش چیست — بموجب صراط هدی و کتاب خدا
و صحف قدما و کتب علماء سرآمد طاعات و افضل عبادات
اتفاق و خیرات است و هم دانش آموزان حقایق و نکته سفجان
دقایق میزان سر این معنی بدانند — و رمز این سخن بشناسند —

آنچه انسان را در روز شمار بکار آید و سبب نجات از مور
و مار گردد همانا صرف در این راه است یعنی اتفاق فی
سبیل الله است و کدام اتفاق بیمایه تر و برتر و بالاتر از
اتفاق محبت و بخشش ملاطفت است بین اینهای وطن —
ایام جوانی و عهد کامرانی سوگند (وانه لقس لوتلمون
عظیم) که یوسف را بکلافی فروختند — و دل مشتاقان
وی را سوختند — آنچه که نیاید بامایشود شد — و آنچه
را که بر ما سزاوار نبود روزگار روا داشت — تسخ
ذات در مملکتان بکاشت آنها هم از ثمره نفاق بوده
بشری انسانیت و حقوق ایرانیت قسم یاد میکنم اگر اوش
بصحنهای من دوختی و چهره نه افروختی مدتی بگذرد
که شرقی بر غربی مخدوم شود و غربی از نعمت محروم
— سخنان ایشان را اگر بخوایم عرضه بدارم جریده
کنجایتی درج آن را ندارد محض اظهار مودت قلبی خواهش
میشود که این مکتوب را در جریده درج فرمائید
(امضاء محفوظ)

(مکتوب از اسلابول)

بمحضر سراسر شرافت و کولاء ذوالعز و الاحترام
مجلس شورای ملی ایدهم الله معروض میداریم ماریای
ایران ساکنین اسلابول از خبر های حزن انگیز وطن
عزیز پیوسته افسرده و دلخوتیم خاسه مسئله حدود
دولتین علیتین ایران و عثمانی بر همه شمها تفوق جسته
چند سال است که این مسئله در میا ناست دائم از درگاه
قاضی الحاجات رفع این کدورت را استغاثه مینمائیم زیرا
اگر خدای نکرده مسئله به خوشی اختتام نیابد جهت
رعایای ایران که در اینخا کند مورث ضررهای مادی و
منعوی بسیارست زیرا همگی صاحب علاقه نه پای گریزه
مجال توقف خواهیم داشت بدیختانه همه روزه مسئله
دشوارتر میگردد عقلای ملت همه میدانند از مامت که
بر ماست مسلم است پنجاه سال پیش قوت عثمانی دوچندان حالا
بود و خیالتی از هر جهت جمع با وجود آن هرگز بخيال
تجاوز و تخطی بر نیامده بود امروزه که هزار گونه
گرفتاری از اغتشاشات داخلی و خارجی و بلوای یمن و
شورش ار ناود دارد او را چه واداشته که چشم از
حقوق همجواری و جامه اسلامی پوشیده بدون سبب
و جهت تجاوز بملک ایران نماید تمیدانیم از کجا آب بیخورد
در صدارت نواب عیسن الدوله آغاز شد پس از اعلان
مشروطیت قدری شدید شد در خصوص منبع عرض ما
بیجاست غرض از جسامت ما آنست که اینروزها جراید اروپا
مینویسند عساکر عثمانی تجاوز و چند قریه از خاک ایرانرا
غصب و جمعی از رعایا را قتل نمودماند سفیر ما یک تلگرافی
وادر روی مبنی میامی سفارت سنیه کبر انهاد که عبارت

فارسی را برانده نوشته اند مضمون تلگرافی اسلامبول (— سفیر کبیر ایران ارفع الدوله عسا کر عثمینی پیش از پیش تجاوز وقریه . . . گرفته اند البته بیامالی رفته جلو گیری نمایند همه امیدوار بهای دولت بدرایت و کفایت آصفانه شمامت و رفع این تجاوز را از طرفی شمانتظار است خدمات شما منظور نظر اعلیحضرت بوده و خواهد بود خودتان حال دولت را بهتر میدانید (— (علاء السلطنه)

بهر کس که وارد میشود ارائه مینماید انتشار این تلگرافی همه ایرانیان را شرق دریای اندوه و غم نموده همگی در حیرتیم مکتور در وزارت جلیه خارجه دفتر رمز نیست یاد سفارت مأموریکه بتواند استخراج نماید پیدا نمیشود اگر از وزارت جلیه خارجه با وجود افتتاح مخصوصاً زده اند سرش چه بوده مگر نمیدانند هر تلگرافی که جهت سفر می آید اول يك نسخه از او را بحضور سلطان میفرستند و يك نسخه را بابعالی بعد از آن نسخه هم جهت سفارت پس در اینصورت از وزارت خارجه زدن این گونه تلگرافی جایزست و اگر جایزست سزاوارست که سفیر بهمکس ارائه نماید اگر محذوری در اینها نیست و عرایض ما بیجاست استرحام آنکه مقرر آید در روزنامه مجلس جواب را درج نمایند تا بعد ازین حد خود را دانسته دم فرو بندیم از طرفی بیست و دو نفر ایرانی حاضر فی المجلس عبد الله بن محمد تبریزی

(مکتوب جمعی از محله چاله میدان) —
خدمت جناب مستطاب آقای آقا میرزا سید حسن مدیر اداره حبل المتین مروض میدارد

آنکه در لیل چهارشنبه هجدهم شهر رجب المرجب در محله چالمیدان در اول کوچه خانه قدیم مرحوم حاجی امین الضرب جنب مسجد و خانه جناب مستطاب شریعتمدار ملاذ الاسلام آقای حاجی سید مهدی خراسانی امام جماعت معروف باقبال الشریعه سلمه الله تعالی مجلس عروس منعقد شده بود داماد محمد جعفر خراسانی فروش دکان تیمچه حاجب الدوله خانه خانه استیجاری متعلق بحاجی سید جعفر خباز و جناب مستطاب آقا سلمه الله تعالی با اهل محل در اول مغرب مشغول بنماز جماعت خواندن که صدای تار و تنبور بلند میشود آقا بعد از سلام منع میکند جواب میگویند که بچها میبایند باز بعد از ساعت دیگر صدای آواز مطرب و رقاص بلند میشود آقا میفرمایند در جنب مسجد و خانه من که نباید این هرزه کی ها بشود میانند توی کوچه مؤمنین را میگویند که اینها را نصیحت کنید که موقوف کنند جمعی از خانه میرزا حسن صرافی که مجلس مردانه بود بیرون میایند مست لا یقبل و میگویند که آقا را باین کارها چه کار

آقا هم نائب شفیع مخنرا میفرماید خبر میکنند جواب میدهد که شما اهل محل را خبر کنید که فردا منکر نشوید اهل محل میایند و همه می بینند و می فهمند که شراب و عرق خورده اند و چیزی حالی آنها نیست مجازات آنها آنکه عین این مطلب در روز نامه درج شود تا سایرین مرتکب اینگونه خلافی شرعاً نشوند (امضاء جمعی از اهل محله چالمیدان) (سواد تملیقاً جناب حجة الاسلام آقای ملامحمد کاظم خراسانی از نجف اشرف بمجلس محترم)

(بتاریخ ۱۲ شهر رجب المرجب) —
انشاء الله مجلس محترم شورای ملی شید الله ارکانه پاینده و توجیه باطنی امام عصر عجل الله تعالی فرجه در خیرخواهی ملت و دولت موفق بحقیقت و مصالح و اطمینان بوده باشند خود مجلس محترم از سابقه و لایحه جناب اعظام الدوله لاریجانی و عزل ایشان از حکومت بواسطه بد رفتاری با رعیت و شکایت اهالی و علمای کرام ولایت اطلاع کامل دارد این ایام دوباره علمای اعظام لاریجان و اهالی شکایت نوشتند که میخواهند باز اعظام الدوله را حکمران لاریجان بکنند و همان اوضاع سابقه فراهم آید بلکه بیشتر از سابق مشارالیه در حق رعیت و فقرا جور و ستم نماید با اینوصف لازم است تدبیری در حق مسلمانان بکنند لهذا احقر صلاح وقت چنین دید که مطلب را بمجلس محترم ارجاع کند و انشاء الله در این فقره توجه و امانی فرموده اگر در حقیقه حکومت اعظام الدوله برای لاریجان نه صلاح است حاکم دیگر که صالح و دولتخواه باشد از دولت قاهره تعیین نمایند دیگر راجع بتصویب مجلس محترم دانی زباده بر این لقمان را حکمت آموختن است فی ۸ شهر جمادی الاخره ۱۳۲۵ (من الآخر الجانی محمد کاظم الخراسانی عفی الله تعالی عنه)

(تردید)

وقایع نکار ما از زنجان در چند هفته قبل نوشته بود صدیر آقا از طهران مراجعت کرده و بنای شرارت را گذارده است ما نیز درج کردیم بعد معلوم شد که بروقایع نکار اشتباه شده یعنی بحرف مردم بدون تحقیق چنین چیزی با داره نوشته است دیروز صدیر آقا با چند نفر معروفین اداره در ترد ما آمده و مرفی شد اینک لزوما تردید میکنیم که مشارالیه ابدأ بزنجان فرشته و در طهران است و از وقایع نکار محترم استدعا میکنیم بعد ازین راضی بخجالت ما و خود نکشته هر مطلب را اول تحقیق کامل فرموده بعد با داره مرقوم دارند —
نیز شریعتمدار زنجانی بشهادت جمعی موقنین در طهران است و مبتلا بمرض بسیار سخت و اشد بخود مشغول است که مجال کارهای دیگر را ندارد —

اخبار تلگرافی خارجه

از لندن در مقابله و جنگ ۲۱ در کامابلانکا از طرف فرانسویان چهار نفر مقتول و چندین نفر مجروح شدند. منجمه یکی از صاحبمنصبان پس از جنگ مزبور جاسوسان مخصوص باطرای کامابلانکا فرستاده شده که کسب اطلاعات نمایند از قرار معلوم سواران ابلات مراکش از آن حوالی گوییده رفته و مفقود شدند. عده کثیری اسبهای سقط شده دیده شده ولی اجساد اشخاص را باخود برده اند. معلوم میشود که سواران در مقابل آتش فرانسویان ایستاده اند تا اینکه مقتولین خویش را بدر ببرند.

چرچیل معاون وزارت مستملکات غارم سافرت و سرکشی تصرفات افریقای شرقی انگلیس شده قبل از حرکت در منجستر اجمن تجارت و فلاحه ضیافت شایان از ایشان نموده و همزی الیه در ضمن لطق مفصلی اظهار اعتماد و اطمینان نموده که عما قریب تصرفات افریقای غربی انگلیس از باب اهمیت و حیث منافع عالی مملکت هندوستان خواهد بود.

تقطیل پارلمان انگلیس ۲۸ شهر حال همین و مقرر گردیده است.

یکی از روزنامهجات معروف وین مأمور است که در ذیل صفحات خود مندرج دارد که نتیجه ملاقات و مذاکرات اخیر بین علیحضرت ادوار دوکلمانس و صدر اعظم فرانسه در مریین بدو ایجاب مذاق و توافق بین دول معظمه اروپا بوده که ناشی از صلح خواهی و امنیت دوستی دول است که باید در هیچ عهدی اظهار میل و رغبت بقای صلح و صفا باین درجه نشده بود. عده از قشون و عساکر مراکش که بزم اشراق قبایل حکماس مامور بودند از قبایل مزبور شکست فاحشی خورده اند لذا آنچه ممکن بود استمداد و قشون از طنجه بکمک آنها فرستاده شد.

جناب روسولت رئیس جمهوری امریکا بعد از مشاوره با اعظم صاحبمنصبان بحری مصمم گردیدند که عازم فرود کشتی جنگی در ماه دسامبر بزم سیر اقیانوس ساکن حرکت نمایند.

دسته از سفایین دولت انگلیس که از قیانونس اطلس آمده وارد دوبلن پای تخت ایرلاند گردیده است بیریق آنکلیس که با انخار حضور سفایین مزبوره در بالای عمارت بلدییه اگراشته بودند اجماعی از اشرار اهالی بیریق را باین کشیده و باره کرده بدریا انداخته اند.

در وقت هدیه نیل از قرار روزنامهجات استوخولم اشاره نصیب کلین که از نویدان و شاهزادگان روسی انگلیس است خواهد بود.

(بل شخص معروفی از سوید بوده که مبلغی متناهی در سال وقت و هدیه اشخاصی که از حیث خدمت به علم یا انسانیت کوی سبقت روده باشد نموده است.)

(اعلان)

کتاب مستطاب رومان معروف حاجی بابای اصفهانی که بهترین کتب رومان تاریخی است و برای نشان دادن عادات و اخلاق و احوالات ایرانیان و اوضاع زندگی و سایر امور آنها از این کتاب بهتر و نیکوتر یافت نمیشود. با عبارات صافی و ساده خالی از اغلاط عبارتی بطوریکه همه کس از آن منتفع گردد و خواص و عوام را نکار آید در دو جلد بطبع رسیده و دارای صور و نقاشیهای قشنگ که گراور شده است تقریباً دو جلدش و در صورت و شکل دارد مجملاً مطالعه این کتاب همه کس را لازم و برای بصیرت بر حقایق احوال ایران و ایرانیان متحتم است.

و هر کس درست آنرا بدقت بخواند از اهمیت آن کتاب واقف میشود فعلاً هر دو جلدش صحافی کرده و مجلد شده در اداره جیل المتین طهران برای فروش حاضر است طالبین بدانجا رجوع نمایند.

(اعلان)

دکتر استپاتیان حکیم مخصوص دندانسازی اعلیحضرت همیونی در خیابان علاء الدوله رو بروی خانه امیر نظام کارخانه دندانسازی خیلی ممتاز و مکمل باز نموده و قبول می نماید همه جور ناخوشیهای دندان را معالجه نماید همه روزه صبح از ساعت هشت الی دوازده و بکنی و بعد از ظهر از ساعت دو الی شش فرنگی در محل سمروض برای رجوع کنندگان حاضر است.

(اعلان)

کتاب دیوان سر خوش که مقبول ارباب ذوق و مطبوع اصحاب هنر و کمال و اشعار آبدارش زینت از دل و غم از خطر میریاید بتزگی در هندوستان در طبعه حروفی بوضع پاکیزه و اسامی ظریف بطبع رسیده است.

همچنین کتاب مکالمه سیاح ایرانی و هندی که کتابی است نفیس مشتمل بر مطالب عالیه پلنکی و تاریخی و جغرافیائی و برای اطلاع بر جزئیات و کلیات مملکت هند و ایران نهایت مطالعه آن مفید است بتازگی بوضع مرغوب بطبع رسیده این دو کتاب برای فروش در طهران در اداره روزنامه یومیه جیل المتین موجود است هر کس طالب باشد بدانجا رجوع نماید.

(حسن الحسینی کاشانی)